بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه - 10 /مهر/ 1398

بسم الله الرّحمن الرّحیم (۱)

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم المصطفیٰ محمّد و علی آله الطّیّبین الطّاهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین (ارواحنا فداه).

السّلام علی الحسین و علیٰ علیّ بن الحسین و علیٰ اولاد الحسین و علیٰ اصحاب الحسین.

خیلی خوشوقت و خوشحالم و از خداوند متعال سپاسگزارم که یک بار دیگر این توفیق را به ما داد که چهره‌های نورانی شما را در این دیدار سالیانه زیارت کنیم. خداوند ان‌شاءالله همه‌ی شما را مشمول الطاف ویژه‌ی خود و هدایتهای ویژه‌ی خود قرار بدهد و به عالی‌ترین مقاماتی که یک انسان طالب آن است، برساند.

در بین پدیده‌های گوناگون برآمده‌ی از انقلاب اسلامی که کم هم نیست، سپاه یک خصوصیّتی دارد. سپاه جزو نهادها و پدیده‌های برآمده‌ی از انقلاب اسلامی است ؛ خصوصیّاتی در آن هست که در سایر برکات ناشی از انقلاب این خصوصیّات را انسان کمتر مشاهده میکند. اوّلاً ولادت سپاه در بحبوحه‌ی حوادث و هیجانهای بزرگ انقلاب بود ؛ بعد رشد و حرکت سپاه و بلوغ سپاه در تلاطم عظیم حوادث دفاع مقدّس [واقع] شد ؛ در طول این هشت سال دفاع مقدّس، سپاه رشد کرد ؛ مثل نوجوانی که به مرحله‌ی جوانی و بلوغ و دلاوری میرسد.

بعد از دوران جنگ که دوران جبهه‌بندی‌های عمیق و وسیع سیاسی و فرهنگی بین انقلاب و دشمنان انقلاب -[یعنی] جبهه‌ی مقابل انقلاب- بود در این دوران عظیم و جبهه‌بندی که امتحانهای سختی پیش آمد، خیلی‌ها لغزیدند، خیلی‌ها دچار مشکل شدند، در یک چنین دورانی سپاه توانست خودش را به بلوغ و تکامل قابل توجّهی برساند. در این دوران سوّم که دوران بعد از دفاع مقدّس است، در زندگی فردی و زندگی سیاسی و اجتماعیِ افراد و مجموعه‌ها، غالباً یک دوراهی خطرناکی پیش می‌آید ؛ دوراهی تعالی یا انحطاط ؛ معمولاً این جور است. بعد از آنکه مراحل ورود در دنیای جوانی و حرکت طی شد، غالباً، هم افراد این جور هستند، هم سازمانها و مجموعه‌ها این جور هستند، حتّی انقلابها [هم] این جور هستند که به یک دوراهی‌ای میرسند: یک راه، راه تعالی است، یک راه، راه انحطاط است ؛ یا پیشران عقل و حکمت و هدایت و معنویّت آنها را به طرف اوج میبرد، یا جاذبه‌های مادّیّت آنها را به سمت خواسته‌های حقیر مادّی تنزّل میدهد. این دوراهی غالباً در یک دوره‌ی معیّنی، هم در پیش روی اشخاص و افراد بشر هست، هم سازمانها -و همان طور که عرض کردیم- هم انقلابها ؛ بعضی از انقلابها و تحوّلات عظیم سیاسیِ جهانی خوب شروع میشوند، خوب هم رشد میکنند، امّا در یک مقطع حسّاس دچار انحطاط و سرازیری میشوند. این دوراهی برای جامعه‌ی ما و کشور ما در دوران بعد از دفاع مقدّس طبعاً پیش آمد. خب حالا در مورد اصل انقلاب حرفهای زیادی داریم ؛ نمیخواهم وارد آن مقوله بشوم، امّا سپاه در این دوران، سربلند از آب در آمد، سربلند خارج شد ؛ سپاه دچار فرسودگی نشد، دچار انحطاط نشد ؛ عناصر اساسیِ هویّتِ خودش را حفظ کرد و به سمت تعالی حرکت کرد.

البتّه ریزش و رویش همه جا هست، سپاه هم مستثنا نیست ولی ملاک این است که انسان ببیند غلبه با ریزش‌ها است، یا غلبه با رویش‌ها است ؛ بنده قاطعاً قضاوت میکنم که در مورد سپاه به صورت واضح، غلبه با رویش‌ها بود ؛ حرکت به این ترتیب، حرکت رویشی بود، حرکت پیشرفت بود، حرکت تعالی بود. کسی اعتراض نکند که خب بالاخره

یک ریزش‌هایی هم داشتیم ؛ بله داشتیم، همه جا هست، همیشه هست ؛ ملاک این نیست، ملاک این است که مقایسه کنیم، ببینیم رویش‌ها چگونه است و ریزش‌ها چگونه است. در اصل خود انقلاب هم همین حرف هست که حالا جای بحث آن، اینجا نیست.

ببینید، شیواترین عرصه‌ای که یک مجموعه‌ای مثل سپاه میتواند در آن حضور پیدا کند عرصه‌ی جهاد و شهادت است ؛ البتّه عرصه‌های دیگری هم وجود دارد، امّا عرصه‌ی شهادت در راه خدا آن نقطه‌ی اوج و نقطه‌ی درخشان و زیباترین منطقه‌ی مدّ نگاه انسان است ؛ در عرصه‌ی شهادت ما سی سال بعد از پایان دفاع مقدّس یک مرد جاافتاده‌ی محاسن سفیدی مثل شهید همدانی (۲) داریم، یک نوجوان تازه‌رسیده‌ای مثل شهید حججی ؛ (۳) همه‌ی اینها معنا دارد دیگر ؛ همه‌ی اینها نشانه‌های باقی ماندن همان طراوت و همان هویّت اساسی [است.] در عرصه‌های دیگر هم همین جور است که حالا عرض خواهم کرد عرصه‌های دیگری را که سپاه در آنها وارد شده.

من میخواهم همه یک قضاوتی را پیدا کنیم ؛ البتّه برای شماها شاید تکراری باشد این مطلبی که میخواهم عرض بکنم، امّا در عین حال گفتنش خوب است تا همه بدانند، همه بفهمند وضعیّت سپاه را. یک معیار سنجش وضعیّت برای هر سازمانی، برای هر مجموعه‌ای این است که ما موفّقیّتهای آن مجموعه را با ناکامی‌های آن مجموعه بسنجیم، مقایسه کنیم، ببینیم در مواجهه‌ی با مأموریّتهایی که داشته است، موفّقیّتهایش چقدر است، ناکامی‌هایش چقدر است ؛ اگر این را معیار محاسبه قرار بدهیم، به نظر بنده سپاه یکی از پُرافتخارترین مجموعه‌ها است ؛ در این محاسبه، با این ملاک، با این معیار که موفّقیّتها و کامیابی‌هایش بیشتر بوده است یا ناکامی‌هایش ؛ با این معیار، سپاه خیلی پُرافتخار است.

من چند سرفصل مهم را در این زمینه‌ها عرض میکنم، که اینها را باید در این محاسبه حتماً به حساب بیاوریم ؛ یکی مسئله‌ی نوآوری و خلّاقیت در سپاه است ؛ هم نوآوری در ابزارها و وسایل جنگی و نظامی -که یک روزی همین سپاه پاسداران برای دو خمپاره‌ی ۱۲۰ به این در و آن در میزد که بتواند به دست بیاورد تا یک جایی از آنها استفاده کند ؛ حالا شما ببینید سپاه از چه ابزارهایی استفاده میکند و در تولید و ساختِ چه ابزارهایی پیشقدم بوده است و ابتکار و موفّقیّت آن عامل پدید آمدن این امکانات در کشور برای نیروهای نظامی بوده- هم در ابزارآلات نظامی ابتکار و موفّقیّت دارد هم در شیوه‌های نظامی، در شیوه‌های مقابله، در شیوه‌های مبارزه، ابتکارات سپاه، ابتکارات برجسته‌ای است. مسئله‌ی ابتکار و نوآوری و موفّقیّت، یک عنصر و یک سرفصل است.

یک سرفصل دیگر ورود پُرتوان در عرصه‌های گوناگون خدمات اجتماعی است. شما نگاه کنید مجموعه‌ی کارهای خدماتی‌ای که سپاه در این سالها انجام داده و همچنان دارد انجام میدهد و روزبه‌روز بیشتر میشود با کدام سازمان و مؤسّسه‌ی دیگری قابل مقایسه است؟ با کدام سازمان مسلّح در دنیا قابل مقایسه است؟ یک قلم آن قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا است که یک بازوی اجرائی قوی برای دولتهای مختلف در طول این سالها بوده ؛ یک قلم دیگر محرومیّت‌زدایی است، این محرومیّت‌زدایی‌هایی که سپاه، نیروی زمینی و بخشهای مختلف سپاه، دارند انجام میدهند -که به نظرم میرسد صدی نود اینها را هم انسان در تبلیغات مشاهده نمیکند ؛ یعنی تبلیغاتی هم نمیشود، غالباً نمیدانند ؛ حالا ما به خاطر گزارشها و مانند اینها مطّلع میشویم- در سرتاسر کشور، در مناطق محروم خیلی گسترده است.

یک قلم دیگر، امدادهای فوق‌العاده در حوادث است ؛ فرض کنید زلزله‌ی کرمانشاه یا سیلی که امسال اوّل سال در چند استان آمد، حضور سپاه،حضور برجسته‌ی تعیین‌کننده‌ای بود، شاخص بود ؛ و کارهای ریز و درشت دیگر که این هم یک سرفصل است ؛ [یعنی] خدمات اجتماعی گسترده‌ای که از آن، آحاد مردم منتفع میشوند ؛ ربطی هم به کار

نظامی و مسائل سوق‌الجیشی و مانند اینها ندارد ؛ صرفاً خدمت‌رسانی است، صرفاً کمک به پیشرفت کشور است، و در بخشهای مهمّی کمک به همین سیاست اقتصاد مقاومتی است.

یک سرفصل دیگر ورود در وادی فرهنگ و اندیشه و هنر است که در این زمینه، مجموعه‌ی سپاه و بسیج کارهای نمایانی کردند ؛ یعنی آن کسانی که سرشان در وادی فرهنگ و هنر و ادبیات و شعر و بقیّه‌ی شاخه‌های هنری است، احساس میکنند که کأنّه یک موجود جدیدی در عالَم هنر دارد متولّد میشود یا متولّد شده، یک حادثه‌ی جدید است، کار برجسته‌ای است ؛ [این] ربطی هم به مسائل سوق‌الجیشی و مسائل نظامی و مانند اینها ندارد. این هم یک عرصه است.

یک عرصه‌ی دیگر که بسیار مهم است، نگاه گسترده به جغرافیای مقاومت در منطقه است ؛ مجموعه‌ی مقاومت در این منطقه توانایی خودش را در مواجهه‌ی با استکبار، در مواجهه‌ی با آمریکا، در مواجهه‌ی با جبهه‌ی متّحد کفر و ظلم نشان داده ؛ شما نقش سپاه را حالا در این مجموعه‌ی عظیم مشاهده کنید: از مسائل فلسطین بگیرید تا مسائل دیگر غرب آسیا و بخشهای مختلف که دیگر حالا ورود در آنها هم کار ما و شأن جلسه‌ی کنونی ما نیست. حضور سپاه در این گستره‌ی مقاومت، در این جغرافیای مقاومت، به قدری برجسته است که دشمنی‌ها را هم علیه سپاه برانگیخته ؛ دشمنی آدمهای بد را، جبهه‌ی بدها را که این خودش یک افتخار بزرگی است ؛ [اگر] بدترین‌های عالَم با کسی بد باشند، این خودش خیلی افتخار است.

یک سرفصل دیگر که به نظر ما از همه‌ی اینها مهم‌تر است، تلاش برای حفظ معنویّت است که در سپاه وجود دارد ؛ این مسئله‌ی معنویّت خیلی مهم است -که من حالا بعداً هم ممکن است [مطالبی در مورد آن] عرض کنم- و مثل یک باران رحمتی است که بر یک بوستان متنوّعی ببارد ؛ هم حیات‌بخش بوستان است، هم طراوت‌بخش و جلوه‌بخش بوستان است. وقتی باران میبارد، صرفاً این نیست که زندگی میدهد به بخشهای مختلف این بوستان، بلکه به آن زیبایی هم میدهد، جلوه هم میدهد، طراوت هم میدهد، آن را در چشمها عزیز هم میکند ؛ بارانِ معنویّت این [جور] است.

حالا این چند سرفصل بود که من گفتم ؛ میشود اجزای این سرفصل‌ها را تبیین کرد، توسعه داد و روشن کرد -که خیلی مهم است- میشود سرفصل‌های دیگری را هم به این افزود. پس بنابراین سپاه، هم در زمینهِ‌ی سخت‌افزار، هم در زمینه‌ی نرم‌افزار، در وادی تعالی و پیشرفت، در جادّه‌ی تعالی و پیشرفت کاملاً جلو رفته و امتحان خوبی پس داده ؛ اعتقاد بنده این است که اوج گرفته. و همین هم موجب شده است که آمریکا و دستگاه استکبار و آدمهای بدِ دنیا، با سپاه خیلی بد بشوند. لابد در این اخبار و نوشته‌ها و گفته‌ها و فضای مجازی و غیره در دنیا مشاهده میکنید که چقدر علیه سپاه حرف زده میشود، کار میشود ؛ ایادی و امتداد آنها در داخل کشور هم -که حالا خیلی قابل توجّه نیستند لکن هستند، وجود دارند- همین جور ؛ سعی میکنند گوشه کنار اگر بتوانند، یک نقطه‌ضعفی از سپاه پیدا کنند، آن را درشت کنند. آمریکا هم که خب به خیالِ خودش ضربه میزند و مثلاً سپاه را تحریم میکند ؛ این موفّقیّتها، این پیشرفتها و این برجستگی‌ها است که این دشمنی‌ها را جلب میکند ؛ این مایه‌ی افتخار است ؛ کما اینکه عزّت سپاه را هم در چشم افراد، آدمها و حتّی دشمنها بالا میبرد. یعنی همین پیشرفتها موجب میشود که سپاه در چشم دشمنان، چه برسد به دوستان، عزّت پیدا کند، عزیز بشود ؛ و امروز این جور است و این عزّت بحمدالله پیدا شده. خب اینها بخشی از مناقب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، بخشی از مناقب این مجموعه‌ی پُرافتخار است.

خب، شما فرزندانِ عزیز این حقیر هستید ؛ اگر کسی از بنده سؤال بکند که حالا شما از این بچّه‌ها، از این فرزندان

راضی هستید، خواهم گفت که صددرصد راضی‌ام! (۴) امّا قانع نیستم، راضی هستم خیلی، قانع نیستم. توقّع «زیادی» هم نیست ؛ برای خاطر اینکه معتقدم خدای متعال استعدادی داده که شما ده برابر اینکه گفتیم -حالا احتیاط کردم گفتم ده برابر، امّا صد برابر این- میتوانید پیش بروید ؛ به چه دلیل؟ به دلیل اینکه شما الان [در جایگاهی] صد برابر آن روز اوّل قرار دارید. بچّه‌های روز اوّلِ سپاه اینجا نشسته‌اند دیگر ؛ چه داشتید شما؟ چقدر امکان داشتید؟ چقدر حضور شما حس میشد؟ شما نگاه کنید ببینید سپاه، امروز کجا است، آن روز کجا بود ؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که بنابراین خدای متعال استعداد و توانایی و امکان را داده ؛ وقتی امکان داد، تکلیف هم می‌آید: لا یُکلِّفُ اللهُ نَفسًا اِلا وُسعَها ؛ (۵) هر چه وُسع شما بیشتر باشد، تکلیفتان هم بیشتر است ؛ من این را عرض میکنم. خلاصه‌ی حرف ما و عرض ما این است: چون وُسعتان زیاد است، توانایی‌تان زیاد است،تکلیفتان هم زیاد است.

حالا چون تکلیف سنگین است، توصیه‌های ما بر این اساس است:
توصیه‌ی اول اینکه به هیچ وجه نگذارید سپاه پیر و محافظه‌کار بشود ؛ سپاه نبایستی پیر بشود. منظور، پیر شدنِ به معنای آدمهای پیر نیست ؛ آن البتّه بی‌تأثیر نیست -[در مورد] جوان‌گرایی که حالا خواهم گفت- امّا مقصود، روحیّه است، روحیّه‌ی جوان سپاه بایستی باقی بماند و میشود ؛ میتوان سازمانی را فرض کرد که با کمک الهی، با هدایت الهی، با شیوه‌های گوناگون هرگز به پیری نرسد و همیشه جوان باشد ؛ میشود فرض کرد. چه جوری؟

اوّلاً با جوان‌گرایی که خب الحمدالله جوان‌گرایی هست، [یعنی] مدّتها است که در سپاه شروع شده و توجه به نسل جوان وجود دارد، و تربیت دینی و انقلابیِ نسلهای دوّم و سوّم. نگذارید انقطاع نسلی به وجود بیاید ؛ همان روحیّه‌ای که شهدای بزرگ و نام‌آور سپاه در میدانهای نبرد از خودشان نشان دادند در دوران دفاع مقدّس و قبل از دفاع مقدّس و تعدادی بعد از دوران دفاع مقدّس، باید سریان و جریان داشته باشد در نسلهای متوالی و پی‌درپی‌ای که وارد سپاه میشود: تربیت دینی و انقلابی، جلوگیری از انقطاع نسلی، تداوم روش خلاقیّت و نوگرایی. اینکه گفتم [سپاه] نوگرایی دارند در ابزارها، در شیوه‌ها، این را نباید بگذارید متوقف بشود ؛ این نوگرایی به طور پی‌درپی در شیوه‌ها، در قواعد کار، در وسایل کار، در ابزارهای رزمی، در ابزارهای حرکت جمعی سپاه، در عرصه‌های مختلفی که بعضی را اشاره کردم، در همه‌ی اینها بایستی وجود داشته باشد. البتّه این روحیّه الان در سپاه هست، من این را میبینم ؛ در بخشهای مختلف، هوایی، زمینی، بخشهای گوناگون سپاه، در سطوح مختلف، انسان این را مشاهده میکند ؛ این بایستی روزبه‌روز، هم ادامه پیدا کند، هم تقویت بشود. بنابراین اوّلین توصیه‌ی این حقیر همین است که نگذارید سپاه پیر بشود، محافظه‌کار بشود، به وضع موجود قانع بشود ؛ نه، روزبه‌روز باید جلو بروید، بهتر بشوید، در جهت انقلابی شدن، در جهت دینی شدن، در جهت کارآمد شدن.

ثانیاً آماده‌به‌کاریِ خودتان را در مواجهه‌ی با حوادث بزرگ حفظ کنید ؛ این یکی از خصوصیّات سپاه بوده. سپاه از اوّلی که متولّد شده، در حوادث بزرگ همیشه در خطّ مقدّم سینه سپر کرده. در همان دوران اوایل کار که سپاه تازه متولّد شده بود، تازه به وجود آمده بود، این حوادث گوناگونِ اطراف کشور، این [بحث] قومیّتها و تحریکاتی که میشد و در شرق کشور، در غرب کشور، در شمال کشور راه افتاده بود، سپاه سینه سپر کرد، جلو رفت و آماده‌به‌کاریِ خودش را نشان داد. در طول دوران حیات مبارک امام مسئلهِ‌ی جنگ تحمیلی پیش آمد، سپاه جلو رفت سینه سپر کرد، آماده‌به‌کاریِ خودش را نشان داد ؛ از همان روز اوّل، از همان اوّلین ساعاتی که جنگ شروع شد و صدّام حمله کرد، سپاه در میدان بود. قبل از آن هم البتّه بود، قبل از آن هم که [دشمنان] موذی‌گری میکردند، اذیّت میکردند، از مرزها ایذاء دائمی داشتند، باز سپاه آنجاها هم حضور داشت. بعد از رحلت امام در حوادث سیاسی، اجتماعی، تحریکات گوناگون، هر جایی که هر حادثه‌ای بوده، سپاه نشان داده که آماده‌به‌کار است. نمیخواهم بگویم همه جا عالی عمل شده، امّا همه جا حضور، عالی بوده. این آماده‌به‌کاری باید حفظ بشود ؛ فقط مسائل امنیّتی و نظامی و مانند اینها

مورد نظر نیست ؛ نه، در همه‌ی بخشها. حالا دوستان اشاره کردند، فرض بفرمایید در زمینه‌ی اقتصاد مقاومتی، در زمینه‌ی رونق تولید، کمک به محرومین، کمک به مستضعفین -اینها مسائل مهمّ کشور است دیگر، مسائل روزبه‌روز کشور است- سپاه آماده‌به‌کاریِ خودش را بایستی حفظ کند. هم در زمینه‌ی خدمت‌رسانی و محرومیّت‌زدایی، هم در زمینه‌ی مقابله‌ی با دشمنی‌ها، هم در زمینه‌ی استحکام سازمانی و آمادگی‌های علمی و عملی و آگاهی‌های سیاسی، در همه‌ی این زمینه‌ها باید بتوانید این آمادگی و آماده‌به‌کاری خودتان را حفظ کنید.

ثالثاً این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید ؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه‌ی خودمان: ما عُزِیَ قَومٌ قَطُّ فی عُقر دارهِم اِلا ذَلّوا ؛ (۶) این حدیث از معصوم (علیه السّلام) است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آنها حمله بشود دچار ذلّت شدند. این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجّه قرار بگیرد که خیلی‌ها متوجّه به این نیستند، خیلی‌ها توجّه به این ندارند. حالا بعضی‌ها هم توجّه دارند و به نفع دشمن حرف میزنند -[مثلاً میگویند] «نه غزّه، نه لبنان»- امّا خیلی‌ها هم توجّه ندارند ؛ واقعیّت این است. این نگاه به این منطقه‌ی وسیع جغرافیایی که جزو وظایف و جزو مسئولیّتهای سپاه است، نگذارید در داخل سپاه تضعیف بشود.

توصیه‌ی چهارم ؛ در برابر دشمن با نگاه دقیق، ارزیابی خودتان از دشمن را واقعی کنید. هُشیاری را هم با ترس اشتباه نگیرید ؛ اصلاً از دشمن نترسید ؛ هر چه هم دشمن قوی باشد، بزرگ باشد، نترسید. چون آن قدرت ایمانی را که شما دارید، دشمنتان ندارد، در هر حجمی که باشد ؛ امّا حجم دشمن را بشناسید. «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد» ؛ (۷) هیچ دشمنی را -دشمن کوچک و دشمن بزرگ را- حقیر، ناتوان، بیچاره، غیر قابل اعتنا به حساب نیاورید ؛ نه، دشمن را ولو کوچک هم هست، به حساب بیاورید، در مقابلش ارزیابی درست داشته باشید، در مقابلش هُشیاری داشته باشید. عرض کردم، این هشیاری را با ترس اشتباه نگیرید ؛ مطلقاً نترسید امّا بشناسید که با چه کسی طرفید.

توصیه‌ی پنجم ؛ با همه‌ی اجزای عظیم تشکیل‌دهنده‌ی نظام اسلامی همکاری و هم‌افزایی داشته باشید ؛ با دولت، با قوّه‌ی قضائیّه، با مجلس شورای اسلامی -قوّه‌ی مقنّنه- با بخشهای گوناگون این همکاری و هم‌افزایی لازم است ؛ این وظیفه است که مخصوص شما هم نیست ؛ این را ما به همه توصیه میکنیم، به شما هم توصیه میکنیم. البتّه معنای این هم‌افزایی و همراهی، جدا شدن از عناصر هویّتی سپاه نیست ؛ به این نکته توجّه کنید! عناصر هویّتی سپاه صددرصد باید حفظ بشود در همه‌ی تعاملات، در همه‌ی رفتارها و همکاری‌ها و هم‌افزایی‌ها.

توصیه‌ی ششم ؛ مردمی باشید، مردم‌دوست باشید، مردم‌پذیر باشید، مردمی‌رفتار باشید. سپاه مردمی است دیگر ؛ از اوّلی که سپاه تشکیل شد -این جوانها و بچّه‌هایی که آمدند، از دانشگاه آمدند، از بازار آمدند، از کارگاه آمدند، از همه جا آمدند رشد کردند، آمدند چهره شدند، آمدند به جایی رسیدند که امثال بنده باید نگاه کنیم، حسرت بخوریم، غبطه بخوریم- مردمی تشکیل شد. با مردم باشید، از مردم باشید، رفتار مردمی داشته باشید ؛ فخرفروشی خلاف این رفتار است، دنیاطلبی خلاف این رفتار است، اشرافیگری خلاف این رفتار است. این هم یک توصیه‌ی مؤکد. البتّه در این توصیه‌ی ششم خیلی حرف هست ؛ بنده هم به همه‌ی اجزای مسئولین کشور این توصیه را همیشه میکنم، تأکید هم میکنم لکن دیگر حالا مجال خیلی نیست، میخواهیم عبور کنیم.

توصیه‌ی هفتم ؛ کار جهادی و روحیّه‌ِی جهادی را در همه‌ی عرصه‌های گوناگون فعّالیّتها سرلوحه قرار بدهید. کار جهادی ضدّ تنبلی است، ضدّ بی‌تفاوتی است، ضدّ امروز را به فردا انداختن است. ما با بعضی از بخشهای گوناگون

مواجه میشویم که یک کاری را بنا است انجام بدهند، تصدیق هم میکنند، تأیید هم میکنند، حتّی استقبال هم میکنند امّا امروز که باید انجام بدهند، به فردا می‌اندازند که فردا هم باز یک فردای دیگری دارد ؛ بنده گاهی به آنها میگویم، تذکر میدهم که فلان مطلبی را که ما شش ماه قبل گفتیم، شما هم به فلان مأمورتان دستور کتبی دادید، او هم مثلاً به یکی دیگر توصیه کرده امّا شش ماه گذشته، هیچ حرکتی انجام نگرفته ؛ به خاطر این است که کار را جهادی دنبال نمیکنند ؛ کار جهادی. کار را در همه‌ی عرصه‌ها جهادی دنبال کنید.

و توصیه‌ی آخر [اینکه] توکل، توسّل، معنویّت، دعا را از دست ندهید ؛ اُنس با قرآن را از دست ندهید ؛ اُنس با اهل بیت و عترت را از دست ندهید ؛ اجتناب از گناه را فراموش نکنید. جزو بیشترین توصیه‌ها یا شاید بشود گفت در رأس توصیه‌های کسانی که ما برای کلمه‌کلمه‌ی حرفهای آنها خیلی اعتبار قائل بودیم، اجتناب از گناه بود ؛ اساس کار، اینها است. هم در خودتان، هم در خانواده‌تان، هم در فرزندانتان و همه‌ی متعلّقین به خودتان، اینها را نهادینه کنید. اینها راجع به مسائل سپاه. عرض کردیم که اگر مجال و حال باشد و پیرمردی ما اجازه بدهد خیلی حرف با شماها داریم، منتها دیگر حالا به قدر ظرفیّت وقت و زمان و مکان همین مقدار در زمینه‌ی سپاه کافی است ؛ مسائل دیگری هم هست که میخواهم عرض کنم.

درباره‌ی مسائل بین‌المللی یک نکته‌ی مهمّی وجود دارد که اگر توجّه کنیم، دقّت کنیم، بروشنی این نکته را درمی‌یابیم و آن، این است که دشمنان ما هر چه بیشتر هزینه میکنند، بیشتر ضرر میکنند. شما به این منطقه نگاه کنید، فرض کنید در همین افغانستان چقدر هزینه کردند؟ هنوز پایشان گیر است، هنوز دارند ضرر میدهند ؛ در خود منطقه‌ی غرب آسیا -در سوریه، در عراق، در جاهای دیگر- این همه هزینه کردند ؛ چقدر هزینه کردند که داعش را به وجود آوردند ؛ حالا میگویند ما داعش را نابود کردیم ؛ شما غلط کردید نابود کردید. شما نابود کردید؟ داعش را جوانهای سوریه و جوانهای عراق و جوانهای ایران نابود کردند، نه شما. اوّلاً شما داعش را به وجود آوردید، ثانیاً خرج زیادی کردید، سلاح و امکانات و پول بهشان دادید ؛ خرج زیادی کردید، امکانات تبلیغی به آنها دادید. آنهایی که این کاره هستند، میگفتند که امکانات تبلیغی داعش جزو پیشرفته‌ترین امکانات تلویزیونی و تبلیغی بود ؛ از کجا آورده بودند؟ استکبار به آنها داده بود ؛ همین حضراتی که حالا خودشان را بظاهر کنار میکشیدند که هنوز هم دارند حمایت میکنند ؛ خیلی جاها آنها در محاصره گیر افتادند، اینها آمدند با بالگرد نشستند آنجا نجاتشان دادند و بردند که در محاصره نابود نشوند. اینها نفت عراق را مدّتها میفروختند ؛ اینجا یکی از سران کشورها به من گفت که ما از بالا، از ماهواره می‌بینیم ردیفِ ماشین‌هایی را که دارند نفت را برای اینها میبرند میفروشند و هواپیماهای آمریکایی هم این بالا راه میروند و از اینها حفاظت میکنند ؛ حالا حمله که نمیکنند، یک مواردی حفاظت هم میکنند ؛ امّا خب همین طور که گفتم همّت جوانان مؤمن در آن کشورها و در کشور ما داعش را نابود کرد، از بین برد ؛ حالا میگویند بکلّی از بین نرفتند، خیلی خب دوباره هم بیایند دوباره همان است ؛ اِن عَادَتِ العَقرَبُ عُدنَا لَها» ؛ عقرب را با کفش زد له کرد، گفت اگر دوباره هم بیاید دوباره همین کفش دستم است، باز هم میزنم. (۸) پس بنابراین هر چه هزینه کردند [ضرر کردند.] همین رئیس‌جمهور فعلی آمریکا گفت هفت تریلیون دلار در این منطقه خرج کردند، الان از این منطقه چه چیزی دستشان است؟ چه چیزی گیرشان آمده؟ چه چیزی دارند؟ هر چه بیشتر هزینه کنند، بیشتر ضرر میکنند ؛ بعد از این هم همین جور خواهد بود به توفیق الهی.

در سیاست فشار حدّاکثری هم که سیاست آمریکا بود، در آن هم تا حالا شکست خوردند. اینها خیال میکردند که اگر فشار حدّاکثری روی ایران در زمینه‌ی مسائل اقتصادی -عمدتاً اقتصادی- و بعضی از حواشی مسائل دیگر متمرکز بشود، ایران به زانو درمی‌آید، جمهوری اسلامی مجبور میشود یک جوری نرمش نشان بدهد. تا این ساعت به توفیق الهی، به فضل الهی، به حول و قوّه‌ی الهی فهمیدند که این فشار حداکثری خودشان را دچار دردسر و زحمت و مشکل کرده. این اواخر آنها برای اینکه تظاهر کنند، یک حالت نمادینی برای تسلیم ایران درست کنند و

رئیس‌جمهور کشورمان را وادار به ملاقات کنند، به التماس هم افتادند، رفقای اروپایی‌شان هم واسطه قرار دادند، همه‌ی آنها هم آمدند و رفتند، تا آخر هم موفق نشدند. پس بنابراین تا این ساعت فشار حدّاکثری شکست خورده و من به طور قاطع به شما عرض کنم که این فشار حداکثری تا آخر هم شکست خواهد خورد.

بنابراین در مسائل مواجهه‌ی بین‌المللی وضع ما این است ؛ ما بحمدالله راه خودمان را با قدرت، با قوّت ادامه داده‌ایم. اصرار آنها این است که جمهوری اسلامی از منش انقلابی -یعنی همین که ما به آن توصیه میکنیم که نگه‌اش دارید- دست بردارد. میگویند بیایید بشوید یک کشور عادی ؛ یک کشور عادی یعنی یک کشوری منطبق با ساز و کار جهان سلطه، نظام سلطه ؛ که بنده مکرّر نظام سلطه را شرح داده‌ام. نظام سلطه یعنی همه‌ی دنیا تقسیم بشوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ؛ الان این جور است دیگر که یک عدّه‌ای از دولتها سلطه‌گرند، یک عدّه [هم] سلطه‌پذیرند. حالا همه‌ی سلطه‌پذیرها لزوماً نوکر هم نیستند امّا سلطه را قبول کردند و زیر بار سلطه [هستند و] یک وقتی [اگر] بگویند این کار را بکنید، باید بکنید، میکنند ؛ این نظام سلطه‌ی کنونی است. میگویند جمهوری اسلامی بیاید وارد این نظام بشود ؛ یعنی او هم بشود سلطه‌پذیر. جمهوری اسلامی از ساعت اوّل تولّد خودش و تحقّق خودش علیه این نظام سلطه حرکت کرده ؛ چطور ممکن است این را از دست بدهد. ما با نظام سلطه مخالفیم، با تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر مخالفیم، با این مقابله میکنیم، مطلقاً تسلیم تحمیل‌های او نمیشویم، و تا امروز هم توانستیم در این زمینه پیشرفت زیادی بکنیم و بسیاری از انسانهای دنیا، افکار دنیا، روشنفکران دنیا، مجموعه‌های مردمی دنیا را با این مسیر خودمان همراه کنیم و این راه را ما قطعاً ادامه خواهیم داد ؛ راه انقلابی‌گری، راه مقابله و مواجهه‌ی با نظام سلطه.

یک موضوع دیگری که یک کلمه درباره‌ی آن گفته بشود بد نیست، قضیّه‌ی هسته‌ای است. ما کاهش تعهّدات مربوط به توافق هسته‌ای را ادامه خواهیم داد و باید ادامه پیدا کند ؛ با جدّیّت کامل هم باید ادامه پیدا کند. مسئولیّت هم بر عهده‌ی سازمان انرژی هسته‌ای است ؛ باید این کاهش تعهّداتی را که دولت جمهوری اسلامی بیان کرده، اعلان کرده و گفته، به طور دقیق و به طور کامل و جامع انجام بدهند و ادامه پیدا بکند تا وقتی که ما به نتیجه‌ی مطلوب برسیم که قطعاً هم ان‌شاءالله به فضل الهی به نتیجه‌ی مطلوب خواهیم رسید.

ما در زمینه‌ی دشمنی‌هایی که در بخش اقتصاد با کشور میشود، علاج را در نگاه به توانایی‌های داخلی جستجو کرده‌ایم و یافته‌ایم ؛ علاج این است. امکانات داخلی ما خیلی خوب است. همین حالا هم شما ملاحظه میکنید، قبلاً بعضی‌ها پیش‌بینی میکردند که سال ۹۸ چنین و چنان خواهد شد ؛ حالا خود مسئولین کشور در مورد سال ۹۸ اشاره میکنند که مثلاً یک مقداری رشد اقتصادی به صورت نسبی افزایش پیدا کرده. البتّه وضع مردم سخت است، معیشت‌ها دشوار است، امّا اگر چنانچه حرکت را، حرکت قوی و منطقی و پیگیر و مجاهدانه انجام بدهند، قطعاً در وضع زندگی مردم و معیشت مردم بمرور و بتدریج اثر خواهد گذاشت.

یک نکته‌ی مهم این است که [این] تحریم -که عمدتاً تحریم فروش نفت [است] و این فشار حدّاکثری هم بیشتر معطوف به مسئله‌ی نفت است- بلاشک یک مشکلی است برای کشور، منتها مشکل کوتاه‌مدّت است ؛ از این مشکل کوتاه‌مدّت یک سود بلندمدّت به دست می‌آید و آن، انقطاع از نفت است. چند روز قبل مسئولین دولتی اعلام کردند و گفتند که ما از فلان تاریخ -ظاهراً یک تاریخی را هم ذکر کردند- بودجه را از نفت منقطع میکنیم ؛ این بسیار خبر خوبی است، این خیلی دستاورد بزرگی است. خب ما اگر نفتمان را همین طور مدام بفروشیم و در مقابلش دلار بگیریم و بیاوریم، هیچ وقت به فکر نمی‌افتیم که بودجه‌ی کشور را، مخارج کشور را، هزینه‌های جاری کشور را از نفت جدا کنیم ؛ هیچ وقت به فکر این نمی‌افتیم. وقتی جلوی فروش نفت گرفته میشود، وقتی این درآمد مفت از دولت گرفته میشود، آن وقت به فکر می‌افتیم که یک کار اساسی بکنیم. خیلی از کشورها الان رشد اقتصادی‌شان

بهتر از ما است، وضع اقتصادی‌شان بهتر از ما است، یک قطره نفت هم، نه دارند و نه میفروشند ؛ [پس] میشود. امکانات کشور ما از بعضی از آن کشورهایی که اشاره کردم بهتر است، از بعضی‌ها خیلی بهتر است ؛ بنابراین میتوانیم. بنابراین این فشاری که از لحاظ تاکتیکی بر ما وارد میشود، از لحاظ راهبردی به نفع ما است، به ما کمک میکند.

من این را هم در پایان عرایضم عرض بکنم که بنده به هر طرف که نگاه میکنم، از هر جهت که محاسبه میکنم، میبینم در این مواجهه‌ی ملّت ایران در زیر سایه‌ی جمهوری اسلامی با دنیای ظلم و استکبار و کفر، پیروز نهایی ملّت ایران است. ما پیروزی راهبردی داریم ان‌شاءالله ؛ هم آیات قرآن و وعده‌ی الهی این را به ما نوید میدهد، هم تجربه‌ی این چهل سال این را برای ما عینی میکند. وَلکِن لِیَطمَئِنَّ قَلبی، (۹) اینکه حضرت ابراهیم در قضیّه‌ی احیای اموات به پروردگار عرض کرد که «اعتقاد دارم، امّا میخواهم دلم آرام بگیرد»، حالا ملّت ایران وقتی به این دستاوردهای چهل‌ساله و این نهال باریکی که از همه طرف به آن حمله کرده بودند که آن را از بین ببرند و نتوانستند، و حالا تبدیل شده به این بنای مرتفع و این درختِ از همه طرف دارای برگ و بار نگاه کنند، آن «لِیَطمَئِنَّ قَلبی» برایشان به وجود می‌آید.

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد لطف و رحمت و فضل خودت را بر امام شهیدان و بر شهدای عزیز ما و بر مجاهدانی که این راه را گشودند روزبه‌روز بیشتر بفرما ؛ قلب مقدّس ولیّ‌عصر را از ما راضی و خشنود کن.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام عبدالله حاجی صادقی (نماینده‌ی ولیّ فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و سردار سرلشکر حسین سلامی (فرمانده کلّ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) مطالبی بیان کردند.

۲) شهید حسین همدانی

۳) شهید محسن حججی

۴) صلوات حضّار

۵) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۸۶ ؛ «خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمیکند ...»

۶) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۷ ؛

۷) سعدی. گلستان، باب اوّل ؛ «دانی که چه گفت زال با رستم گرد / دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد»

۸) خنده‌ی حضّار

۹) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۶۰